

امام خمینی در سخنان تاریخی خود به نمایندگی پاپ، میانجیگری پاپ را در مورد مناسبات ایران و آمریکا  
و مسئله استرداد شاه مخلوع رد کرد و گفت: جنایتکار ما را بدهید بدست ما!

متن سخنان تاریخی امام خمینی را در شماره فردا  
با اطلاع خوانندگان گرامی خواهیم رساند.

# تبلیغات ضد ایرانی امپریالیسم

## امریکا را خنثی کنیم باز هم امریکا! امریکا!

تبلیغاتی امپریالیسم امریکایی در این روزها شبکه عظیم اندرکار است تا با فکارت عمومی چنین وانمود کند که «دیک مانت» توریست «ریخته اند» و سفارت آمریکا را تصرف کرده اند و گروهی «دیپلمات و کارمند بیگناه» را بگروگان گرفته اند و در برابر آزادی آنها میخوانند «انسان بیماری» را تحویل بگیرند.

ولی چه کسی امپریالیسم آمریکا، این کانکستر بین المللی را که هر دلارش آخته بشون بی-گناهان غارت شده در چهار سوی جهان است، نمیشناسد و کدام دسته ای از این جهان پهناور است که مردانش در خون غلطیده و در آتش سوخته باشند و دست این کانکستر بین المللی آتش افروز و خونریز در کار نبوده باشد؛ چه کسی نمیداند که محمد رضا پهلوی «انسان بیماری» نیست، جنایتکاری حرفه ای، دزدخمی آدمکش، جانور بقیه در صفحه ۶

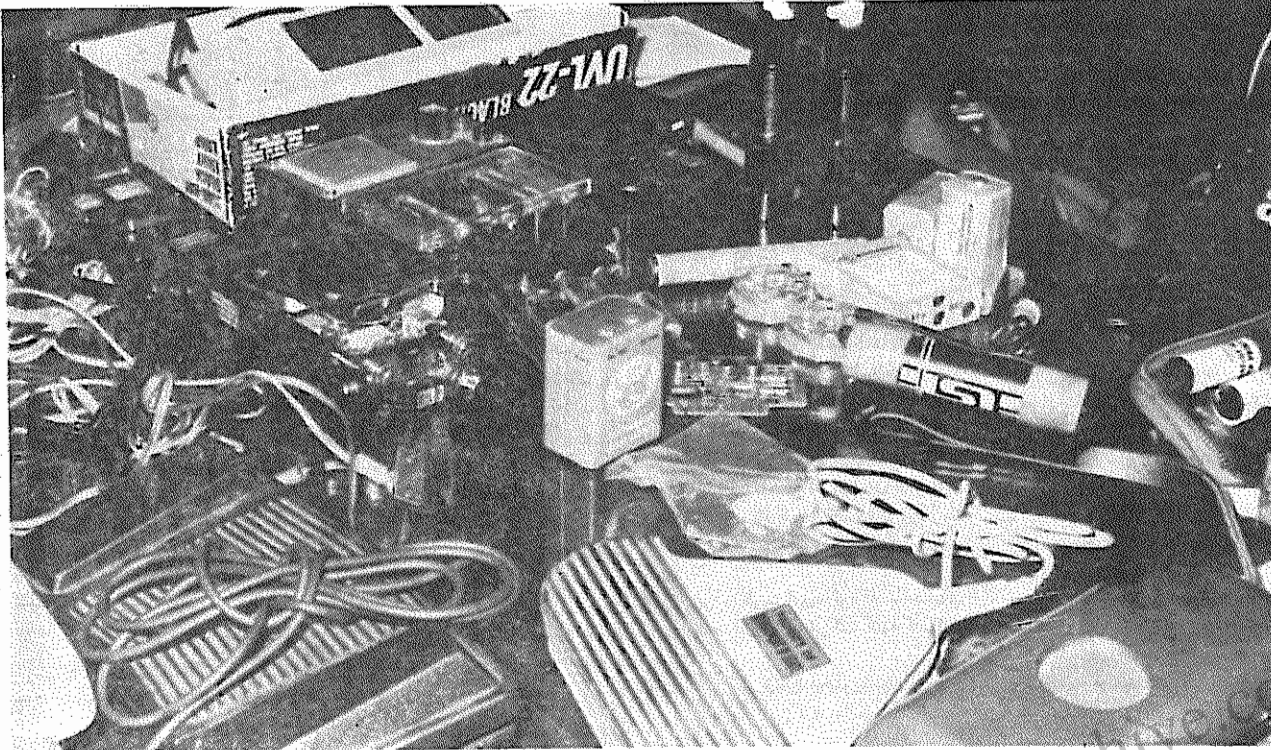
# مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۸۹  
یکشنبه ۲۰ آبان ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰

مردم شیراز در تظاهرات وسیع  
ضد امریکائی، شعار میدادند:  
نه سازش، نه تسلیم  
فرد با امپریالیسم

یک هفته از اشغال لانه جاسوسی آمریکا میگذرد و مردم همچنان آن را در محاصره دارند.



گوشه ای از دستگاههای پیچیده لانه جاسوسی آمریکا، که از آنها علیه مردم و انقلاب ایران استفاده میشد

بقیه در صفحه ۲

## چرا دولت آقای بازرگان مجبور به استعفا شد

پیشنهاد الفاء این قرارداد به شورای انقلاب تسلیم کردید.

نزدیک به ۹ ماه از پیروزی انقلاب میگذرد و ما هنوز قریب ۱۰۰۰ قرارداد نابرابر با کشورهای امپریالیستی و اکثری با ایالات متحده آمریکا داریم، که «بررسی» همه آنها در فضا «معلق» است.

دولت ایالات متحده در تمام این مدت به توطئه گری و تحریک در ایران ادامه داد، از جمله علنا در کردستان و در خوزستان. حتی مقامهای رسمی دولتی اعلام داشتند که اویسی و یازمان و زاهدی و غیره بدستور و کمک مستقیم آمریکا در این توطئه هادست دارند. صدای اعتراض برضد این توطئه گریهای امپریالیسم آمریکا

انقلاب هم گام نبود. جریان انقلاب خوشبختانه هنوز جوشان است. و این جریان، آن سیاست را کنار افکند.

مبارزه علیه امپریالیسم و فرود کردن پایگاههای نفوذ آن، قاطعیت انقلابی میطلبد. سیاست دولت موقت از این قاطعیت برخوردار نبود که سهل است، تا حد سازشکاری، توأم با تمایل و تسامح بود.

بمنوان مثال میتوان یادآور شد که ازالنای قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا، که قرارداد علف استعماری است، بمدت بیش از ۸ ماه پس از پیروزی نخستین مرحله انقلاب، جلو گیری کرد و فقط همین چند روز پیش، که امواج توفنده نفوذ انقلابی ضد امپریالیستی چرشان و خریشان بتلاطم در آمد،

ناسازگار با محتوا و اهداف انقلاب بود.

انقلاب ایران از نظر محتوا و هدف، انقلابی است ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی که مصلحتی پایگاههای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم را در هم کوبد و استقلال کشور را در تمام ابعاد آن تامین نماید، آزادیها و حقوق دمکراتیک را در کشور برقرار سازد، نظام اقتصادی- اجتماعی نوینی بسازد مستضعفان و طبقات زحمتکش خلق بسازد.

سیاست دولت بازرگان، به ویژه در زمینه مبارزه علیه امپریالیسم و فرود کردن پایگاههای نفوذ آن و نیز در زمینه یکپارگی در راه اهداف خلقی انقلاب، با جریان

استعفا، و در واقع سقوط دولت موقت آقای بازرگان، واقعه بزرگی در جریان انقلاب است. مطبوعات، احزاب و محافل سیاسی و نیز خود آقای بازرگان، هر یک از دیدگاه خود بشرح علل واقعه پرداخته اند. شناخت علل واقعه، بخاطر تجربه آموزی بسود گسترش و تعمیق انقلاب و تسامعین پیروزی نهائی آن ضرور است. ما نظر خود را در این باره بیان میداریم:

سقوط دولت موقت بازرگان شکست سیاست همیشه است. این سیاست، ولو با حسن نیت و صداقت، آقای بازرگان دنبال میشد، سیاستی نام آهنگ و حسی در زمینه هائی

در آغاز درگیری جنگهای کردستان، حزب توده ایران با جسارتی انقلابی، فاشی از تحلیل علمی وضع موجود و احساس مسئولیت در برابر منافع انقلاب بزرگ مردم ایران، اعلام نمود که مسئله کردستان تنها یک راه حل دارد و آنهم راه حل مسالمت آمیز مبتنی بر رفع ستم ملی از خلق کرد است. و امروز شاهد این واقعیت هستیم که شعار فوق به شمار تقریباً همگانی مبدل گردیده است و این مایه خرسندی و مباهات حزب توده ای ماست. اینک با راهنمایی رهبر روشن بین و انسان دوست انقلاب ایران، امام خمینی، هیئت ویژه و نمایندگان خلق کرد به مذاکره پرداخته اند و برای حل انسانی مسئله کردستان در تلاشند و ما کامیابی این تلاشها را از صمیم قلب خواهانیم.

در ارتباط با شعار حزب توده ایران در مورد حل مسئله کردستان، که دیگر مورد قبول تقریباً همگان است، ضمناً سوالات زیادی مطرح میشود. برخی میخوانند درباره شمار توضیح بیشتری داده شود و برخی دیگر تکرانهائی را مطرح میسازند.

شمار حزب توده ایران از دو بخش ترکیب یافته است: «راه حل مسالمت آمیز» و «مبتنی بر رفع ستم ملی از خلق کرد». معنای این شمار آنست که حل مسئله کردستان از راه نظامی و از طریق ادامه ستم ملی بر خلق کرد ممکن نیست. چرا!

اولاً - بدلیل اینکه مسئله کردستان مسئله نظامی نیست، بلکه مسئله خلقی است که حقوق مشروع خود را می خواهد و باین حقوق چون نان و آب و هوا نیازمند است. با هیچ ارتش و سلاحی بقیه در صفحه ۲



صحنه ای از تظاهرات ضد امریکائی مردم مهاباد در روز ۲۰ آبان ۱۳۵۸ در پشتیبانی از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام.

### در صفحات بعد:

سخنی با هشداری  
به چریک های  
فدائی خلق

چرا جای شما در جشن ضد  
امپریالیستی مردم خالی است

صفحه ۳

آفرین! راه حل مسائل  
کشاورزی همین انبست...

صفحه ۶

یاسر عرفات: پیروزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی  
پیروزی ملت فلسطین نیز هست

صفحه ۶

مورخان آموزش و پرورش، تاریخ معاصر ایران  
را جعل کرده اند

صفحه ۴

جهان سرمایه داری با بدبینی و جهان سوسیالیسم  
با خوش بینی به استقبال آینده میروند

صفحه ۳

انجمن بین المللی حقوقدانان دمکرات، سیاست  
تجاوزی و توسعه طلبانه رهبری پکن را محکوم  
می کند

صفحه ۳

هر اسم یاد بود

افسران شهید

توده های در تبریز

# مردم شیراز: نه سازش، نه تسلیم، نبرد با امپریالیسم



انبوه مردم تهران همچنان لانه جاسوسی آمریکا را در محاصره دارند

## یک هفته از اشغال جاسوسخانه امپریالیسم آمریکا در ایران میگذرد.

هفته پیش، در چنین ساعتی، فریاد مرگ بر آمریکا خشم توفنده خلق ما را به گوش جهان رساند و ساعتی بعد، دانشجویانی که «خط امام» را برگزیده اند، لانه جاسوسی آمریکا در تهران را اشغال کردند. در یک هفته‌ای که از اشغال لانه جاسوسی میگذرد، انقلاب دوم ایران که از اولی بزرگتر است، به سمت خاک ایران، پشتیبانی خلق را جلب کرده است. بادیگری بعد از تفرقه و تشتت چند ماهه که شد، انقلاب همه نیروی خود را در گرو می‌کشد آن‌گذاشته بود، پیروان «خط امام» که همه ایرانیان انقلابی، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی هستند، مشت واحدی شدند که پوزه خونین امپریالیسم و در داس آن امپریالیسم آمریکا را هدف گرفته است.

یک هفته است که ایران، چشون شیراز، در شمارا و سرودها و ضربکوب راه پیمایان علیه خونخوارترین دشمن خود، که امپریالیسم غارتگر و جنایت‌پیشه یانکی است، می‌شود. رسانه‌های گروهی چشون زمان سرنگونی شاه مخلوع، دزدیانی از پیام‌های همبستگی خلق غرق شده‌اند. از دفترک تهران تا نوانوی خاشی، از کارکن نیشابوری تا بزرگ سیستانی، از زاغه نشین خراسانی تا کورن نشین بوشهری، «با دانشجویان مسلمان پور و خط امام» اعلام همبستگی می‌کنند و نفرت خود را نشان امپریالیسم آمریکا می‌نمایند.

در لانه جاسوسی آمریکا، آنچه از انبوه اسناد خرد شده و سوزانده شده باقی مانده، یک به یک افشا می‌شود. سال پیش، در چنین روزی، از داخل این لانه جاسوسی، فرمان کشتار مردم صادر میشد و امسال دوربین تلویزیون زوایای آن را به مردم نشان میدهد و ملت قهرمان ایران به همان می‌بندد که جاسوسان آمریکائی، در دل خاک ایران، برای غارت و کشتار، آنچه تا سیاسات عظیمی برپا کرده بودند.

در شماره دروز «مردم» گزارش را از مشهد خواندید، که در آن فریاد خشم مردم علیه آمریکائیکس بود.

در شماره امروز «مردم» گزارش زیر را، که خبرنگاران «مردم» از شیراز برای ما فرستاده‌اند، می‌خوانید:

## تظاهرات ضد آمریکائی در شیراز

به حمایت از اشغال جاسوسخانه آمریکا بوسیله دانشجویان مسلمان پیر و خط امام و پاسداران انقلاب اسلامی ایران، از جانب دانشجویان مسلمان دانشگاه شیراز با حمایت دیگر نیروهای مترقی انجام شد. دانشجویان با شعارهای مترقی و ضد امپریالیستی از دانشگاه ادبیات دانشگاه شیراز برای افتادن ویزا از گذشتن از خیابان قرآن، چهارراه زند و سپس فلکه ستاد به محل کنسولگری آمریکا در شیراز در خیابان ارم رسیدند و در آنجا اجتماع نمودند.

شماره‌های زیر در طی راه پیمائی، که با استقبال وسیع مردم روبرو شد، از طرف شرکت کنندگان در تظاهرات داده می‌شد.

- سفارت آمریکا، لانه ضد خلق است.
- سفارت آمریکا، این لانه جاسوسان، تعطیل باید گردد.
- آمریکا، آمریکا، مرگ به نیرنگ تو
- آمریکا آمریکا، دشمن مکار ما
- خمینی، خمینی، رهبر یکتای ما
- نه سازش، نه تسلیم.
- نبرد با امپریالیسم
- محل کنسولگری آمریکا قبل از ورود دانشجویان به تصرف پاسداران انقلاب و گروهی از دانشجویان درآمد.
- در جلو کنسولگری چند بار پرچم آمریکا سوزانده شد.
- روز بعد هم در تاپید عمل اشغال سفارت دولت امپریالیستی آمریکا و تصرف در آوردن این لانه جاسوسی، سرده شیطین، توسط دانشجویان مسلمان پیر و خط رهبر انقلاب امام خمینی، از طرف انجمن دانشجویان و دانش آموزان مسلمان وابسته به جنبش ملی مجاهدین، از ساعت ده صبح یک راه پیمائی صورت گرفت. در پایان راه پیمایی قطعه نامه‌ای صادر شد که در آن تظاهر کنندگان

## باز هم آمریکا! آمریکا!

شنیده بودید و میدانستید که سفارت آمریکا در حقیقت یک لانه جاسوسی است. شاید تصور میکردید که این یک توصیف مبالغه‌آلود است. و اینک حد اکثر ممکن است در این سفارت بخش هم با مورد جاسوسی اختصاص داشته باشد، که لایه عبادت از اطفاقی با مقداری پرونده، حاوی گزارشهای جاسوسان «سپا» و السلام!

اما سرانجام فرارسید آن روزی که فرزندان خلق پندهای استعار را فرود کردند و آنچه را نادیدنی بود، عیان ساختند. در محوطه سفارت یک دستکاه آمبولانس فولکس واگن کشف شد که بر روی آن علامت صلیب سرخ نقش کرده بودند و در درون آن وسایل جاسوسی، تعقیب و استراق سمع تعبیه کرده بودند. - و بعد دهها فرستنده و گیرنده بصورت دکمه‌لپاسی، یا سمک و یا سنجاق کراوات، عینک‌های مخصوص تعقیب و مراقبت، که با دستکاههای فرستنده و گیرنده مجهز بود، و نیز وسایل ردیاب آهن، انواع وسایل برای نوشتن خط‌های نامرئی و برای ظاهر کردن این نوع خطوط، دستکاههای انگشت‌نگاری و دستبندهای پلاستیکی. - و بعد سلاح‌های «دفاعی» اجلیقه‌های ضد گلوله، گلوله‌های ساچمه‌ای، گازهای سمی، گازهای اشک آور، تفک‌های متعدد و نارنجک‌های دستی!

و اینها همه در انتهای راهروئی در درون «گاو صندوق» با قفل دوشانه، مکانیکی و الکترونیکی با دری بقطر بیست سانت، و بالای در در بیستی الکترونیک که بدیوار نصب شده است. اما آنچه در پشت این در پنهان است صندوق نیست. اطفاقی است بزرگ. و آنچه نه یک اطفاق معمولی. گرداگرد آن قفسه بندی شده با طبقات کشویی بالای یکی از قفسه‌ها تلویزیونی کوچک نصب شده است. تلویزیونی مدار بسته و در ارتباط با دوربینی که بالای در «گاو صندوق» قرار داشت برای کنترل بیرون آندرون.

هر یک از کشورهای قفسه را که بیرون می‌کشیم، با یک دستکاه مجهز فرستنده یا گیرنده الکترونیک روبرو می‌شویم و نیز بنا کامپوئی و تلکس.

و بدیوار نقشه‌های از ایران و نقاط مشخص شده. بر روی نقشه دایره‌های تودرتو، که مرکز همه آنها تهران است و بزرگترین دایره تمام خاک ایران را در بر گرفته است.

و در گوشه‌ای بشکله‌ای تا نیمه پر از لاشه‌های ریز ریز شده اسنادی که معمولاً به مردم گفته‌اند. دستکاه مخصوصی از بین بردن اسناد و نوارهای کامپوئی که حاوی اطلاعات گردآوری شده بوده‌اند و در گوشه‌ای، بازر «گاو صندوق» چشم می‌خورد! با همان قفل‌های دوگانه و قفل در پیشین و در پس آن باز هم اطفاقی! که در آن بر روی در اطفاقی یکدیگر نوشته شده است، «خطر تشعشع»، که در آن نه موتوری است نه دستکاه برقی، اما بر بام اطفاقی حسابی سفید و گنبد گونه قرار گرفته که در زیر یک سیستم بهار قوی مخا بر اتسی «میکروویو» مخفی شده است.

و در گوشه‌ای باز بشکله‌ای! گورستان صفحات آرد شده الکترونیک! بوسیله دستکاه مخصوصی که ظرف چند دقیقه صفحات الکترونیک را از بین می‌برد و گردی از آن بر جای می‌گذارد. و این در، این زردخانه، این استودوی مجهز و نیرومند مخا بر اتسی، اینها وسایل «پیلماسی» آمریکا است! و اینست «سفارت آمریکا» لانه جاسوسان و دشمنان خلق ما و تمام خلقهای در بند جهان. و با این آمریکا است که امام خمینی بدرستی می‌گوید، «ما روابط با آمریکا را می‌خواهیم چه کنیم؟»

خواستار قطع هر نوع رابطه با امپریالیسم تا زمان استرداد شاه خائن و مخلوع بایران و لغو قراردادهای نظامی با آن کشور رود هر گونه سازشکاری و بیکسری هر چه بیشتر در مبارزه با سازشکاری و تعطیل سفارت آمریکا شدند.

## تظاهرات شبانه‌روزی

در تهران، لانه جاسوسی آمریکا، بعد از یک هفته که از اشغال آن می‌گذرد، همچنان در محاصره شبانه‌روزی مردم است.

در تمام ۲۴ ساعت تنها یک فریاد از آنجا بگوش میرسد،

## مرگ بر آمریکا!

مردمی که سال پیش در چنین روزهایی با مشت خالی با حکومت نظامی شرفرموده جنگیدند و در پای دیوارهای همین جاسوسخانه خون پاکشان خیا بناها را رنگ می‌زد، لحظه‌ای جاسوسخانه را ترک نمی‌کنند. خیا بناهای اطراف جاسوسخانه، و بویژه خیابان طالقانی، در محدوده خیا بناهای مازان و سر لشکر قرنی، اکنون یکی از مراکز انقلابی جهان است. کتابفروشا به این محل آمده‌اند. در شهای سرد پائیزی گروهی از کارکنان به مردم جای افتخاری میدهند. در گوشه پیاپی در خا نوادها پشوی کرده‌اند و در خیا بان، رژه عظیم انقلاب، فریاد خروش خلق و بانگ توفانی مردم در رژه عظیم انقلاب پایانی ندارد. هر لحظه هزاران قهرمان دست در دست سرود خوانان پیمان نابودی امپریالیسم را می‌بندند و هر کس شاعر بزرگی است.

در جشن بزرگ خلق، هر لحظه چسوردها و شمارهای ناب که متولد میشود، سرودهایی که در همسرایی هزاران زن و مرد به ثبت تاریخ داده میشود.

دیشب بیشتر از همه، این شعارها در مقابل لانه جاسوسی شنیده میشد،  
- آمریکا  
ای حامی مستکبران  
ای دشمن مستضعفان  
- ایران، ایران، ایران، غرند چون شیران  
لانه مکر آمریکا کرده‌ایم بر سرش ویران

## چرا دولت آقای بازرگان مجبور به استعفا شد؟

بقیه از صفحه ۱  
ناشی از سیاست داخلی، دنباله سیاست داخلی، زائیده وضع مبعور بورژوازی لیبرال نسبت با اهداف خلقی انقلاب بود. بورژوازی لیبرال از روی غریزه طبقاتی، انقلاب را پس از سقوط رژیم استبداد سلطنتی تمام شده تلقی کرد و سعی داشت و سعی دارد گسترش آن را در محدوده منافع طبقه خود متوقف سازد. دولت موقت آقای بازرگان، به توان نمانده این بورژوازی لیبرال، در راه تصرف مسواضع اقتصادی بورژوازی وابسته و زمین داری وابسته قاطعیت بخرج مخلوع را معاینه کند تا ببیند بیمار است یا نه! (۱) گوئی مطلب بر سر بیماری یا سلامت است، نه بر سر اقدام سیاسی توطئه گرانه آمریکا که با انتقال جسد شاه مخلوع نیز بخاک آمریکا، همان معنا را داشت.

آقای بازرگان در دست می‌گوید که کنار رفتن او «ارتباط مستقیم» با مذاکره با رژیم یسکی، مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا، نداشته است. این مذاکرات که پشت درهای بسته صورت گرفت، در واقع آن قطره بود که سیاه سیاه «گام بگام» را لبریز کرد.

این سیاست خارجی دولت موقت نسبت با امپریالیسم، در واقع

بقیه در صفحه ۱

داران زمین داران بزرگ وابسته، یعنی پایگاه اقتصادی و اجتماعی امپریالیسم در ایران متجلی شد. کمترین این سیاست سازشکارانه شکست خورد. شکست آن نشان میدهند که موقت همواره دنبال آدم میگشت و چون نتوانست و نتوانست از چارچوب محدودیت طبقاتی خود بفراتر نهد، او را یافت. ما امیدواریم که کشورای انقلاب، که اینک تمام قدرت حاکم را در دست دارد، بر قدرت خلق زحمتکش تماماً تکیه کند و با قاطعیت در راه تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب، از روی «خط امام» - یعنی خط ضد امپریالیستی، استقلال طلبانه و خلقی، بسوی نوسازی بنیادی اقتصادی - اجتماعی کشور، بسود مستضعفین علیه مستکبرین گام بردارد.

روشن ما نسبت به دولت موقت آقای بازرگان انتقاد سازنده بود، به این دلیل که ما ضمن شناخت خصلت آشتی ناپذیر بورژوازی لیبرال، این واقفیت را در نظر گرفتیم که این نقش از سر می‌باید بر خلاف قسروا بسته به امپریالیسم، در مرحله نخست انقلاب با آن همراهی کرد. ما در انتقاد سازنده خود به دولت موقت، صادق و بیکسری بودیم، هر انتقادی را تمام بنا راه نمائی، با ارائه پیشنهاد سازنده عرضه داشتیم. ما بقدر امکان خود کوشیدیم که دولت موقت را از چارچوب تنگ منافع بورژوازی

## مردم ایران آرزو مند پیروزی مذاکرات کردستان اند

نمی‌توان کرد را وادار کرد که کرد بودن خود و زبان کردی و فرهنگ کردی را فراموش کند و احساس تکند که زیر بار محرومیتها، که بخش مهمی از آن محرومیتها ناشی ازستم ملی است، استخوانش خرد می‌شود.

تائیا - اسرار در راه حل نظامی بمعنای آنست که طرفدار این راه حل، خواهان یکی از دو نتیجه زیرین است، یا سرکوب شدن خلق کرد و یا نتیجه پنهان کردن آتش براتن خط نا کس از امر روز دزدین خاکسار استوئی و معرفی جمهوری اسلامی ایران بشا به سرکوب گر خلقها از سوی دیگر. و روشن است که نه چنین آتش زیر - خاکساری در منطقه شیدیه ایرانی خاور نزدیک و میا، بسود امر روز و آینده ایران و نه چنان معرفی سز اواد نام والای انقلاب ایرانتست. و یا ناکامی نظامی جمهوری اسلامی ایران در کس درستان و سالت نتیجه تصفیه جمهوری اسلامی ایران و همیری انقلاب، که یک گانه محور مردمی است که همه نیروهای واقعا انقلابی ایران امروز بر اطراف آن گرد آمده‌اند و عمل می‌کنند. چنین تصفیهی بسود شد انقلاب است ولذا خیانت عظیم با انقلاب خواهد بود. پس در حالیکه نه سرکوب خلق کرد، نه ناکامی جمهوری اسلامی ایران و نه تصفیه رهبری راه مسالت آمیز، از چهاره معقول دیگری نمی‌توان حل کرد! راه حل مسالت آمیز آن راهی است که درست بر عکس راه حل نظامی، اولاً پیروزی خلق کرد را در دست یافتن به خواستهای مشروع خود تأمین خواهد کرد و تائیا با انضای یک خلق ستمدیده این خلق را که روح بزرگ و همت و قهرمانی آن همیشه زینت بخش تاریخ بوده است، به پیشمرگ صادق و فداکار انقلاب ایران تبدیل خواهد کرد، یعنی هم خلق کرد و هم انقلاب ایران هر دو خواهند برد.

تائیا - راه حل نظامی سبب آن میشود که در کردستان مرز میان انقلاب و ضد انقلاب کم شود و دوغ و دوشاب به هم قاطی گردد و خشک و تن با هم بسوزد. در این بازار آشفته، ضد انقلاب که هم وسیله هم تاجر به و هم کاذب و هم پول دارد، میتواند خود را در سفوف خلق جا دهد و وضعی را فراهم سازد که حل مسئله کردستان بمعنای میدل گردد و از این خاک ستمدیده، لبنان‌ها و تلز عترها ایجاد کند. ما هم اکنون هاهد صحنه‌هایی هستیم که در حالیکه نیروهای سالم و واقعا انقلابی خلق کرد و شورای انقلاب از آتش بس و مذاکرات و خسانه دادن به جنگ برادر کشی استقبال می‌کنند و همگان با بی‌مبصری منتظر نتیجه کارمیش ویزه هستند، نیروهای دیگری، از جوانب مختلف، درگیری - های بکلی تصنعی و تصادفات بکلی نامفهوم ایجاد کرده می‌کوشند تا در جریان مذاکرات کردستان اخلال کنند. وجود این اخلالگران، که هیچ ربطی به خواستهای عادلانه خلق کرد ندارند، اشکال اضافه است که فقط در نتیجه برای انداختن «راه حل نظامی» بوجود آمده است و باید با قوت هر چه تمامتر تصریح کرد که ادامه «راه حل نظامی» زمینه را برای پیدایش اینگونه اخلالگران مساعدتر خواهد ساخت و احوان را

بقیه در صفحه ۱



## قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد



آیا ۲۵ سال مغرضانه سخن گفتن کافی نیست؟

# مورخان آموزش و پرورش تاریخ معاصر ایران را جعل کرده اند

ماموران «پاکسازی کتاب» های درسی، در کتاب تاریخ سال سوم دبیرستان رندانه از شاه مخلوع دفاع کرده اند.

## اخبار کارگری

کارخانه نساجی قائم شهر در شرف تعطیل است

بنا به گزارشهای رسیده، مواد اولیه کارخانه نساجی شماره ۱ قائم شهر در حال تمام شدن است و شرکتهای خارجی که با این کارخانه قرارداد بسته بودند، حاضر نیستند بر طبق شرایط قبلی به این کارخانه مواد بفروشند. در صورتی که مواد حاضر در کارخانه تمام شود، کارخانه با خطر تعطیل روبرو است. نه این باعث بیکاری حدود ۱۸۰۰ کارگر این کارخانه می شود.

کارگری را پس از دوازده روز غیبت موجه از کار اخراج کرده اند

یکی از کارگران کوره آجر فشاری پاکا، نزدیک شهر آراز، با دو سال سابقه کار برای بستری کردن فرزند بیمارش دوازده روز کار حاضر نمیشود. بعد از مراجعت متوجه می شود که از کار اخراج شده و شخص دیگری که بنا به اظهار این کارگر از بستگان مسئولان کوره است، به جای او گذاشته شده است. دفتر دارم او را فریب داده و کاغذی را به عنوان پاداش به امضای او می رساند، که بعداً متوجه می شود با امضای این کاغذ، تمام حقوق و مزایای ناشی از ۲ سال سابقه کار را از خود سلب کرده و از کار اخراج شده است.

راندگان آجر فشاری رحمان ستایش حق اولاد، حق مسکن و مرخصی با حقوق می خواهند

راندگان کوره آجر فشاری رحمان ستایش، که یسانگر کارخانه سیمان است و سنک و گچ این کارخانه را تهیه می کنند، خواهان دریافت حق اولاد، حق مسکن و مرخصی با حقوق هستند. این کارگران موفق شده اند بعد از درنگهای زیاد به کارفرما بقبولانند که باید با کار در روزهای تعطیل، حقوق اضافی دریافت کنند. البته این کارگران هنوز حق اضافه کاری را برای روزهای تعطیل که معادل ۳۵٪ حقوق است، دریافت نمی کنند. کارگران به این تأخیر طولانی متضرر بودند.

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

دوستان گرامی!

بنام کمیته هستکی با ایران درجه هوری فدرال آلمان، سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران و نیز انتشار مجدد «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، را بشما تبریک می گویم. حزب توده ایران از بدو تأسیس تا امروز پیوسته با ثبات رسیده که یک حزب رزمنده ضد امپریالیست و قابل اعتماد است. حزب توده ایران برای رسیدن به آرمانهای بالای دموکراسی، صلح و پیشرفت اجتماعی نبرد میکند و چه بسیارند آن اعضاء شما که در این نبرد جان باخته اند. شهدای حزب شما در نبرد علیه رژیم بربرمتش شاه، از بهترین فرزندان خلق ایران بودند. و امروز نیز حزب شما در کنار دیگر نیروهای ضد امپریالیست، با خطر آینده انقلاب قهرمانانه، ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلق ایران و تعمیق این انقلاب، با ضد انقلاب و ارتجاع و علیه تمام تشبثات، که می خواهد چرخ تاریخ را عقب بازگرداند، در نبرد است.

امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم امریکایی و رژیم عروسک دست آن، دشمن خونین مردم ایرانند. آنها با استفاده از هر وسیله ای از ترور، با یکوت و آفرینا گرفته تا کوشش برای ایجاد تفرقه و برهم زدن اتحاد مردم ایران و پشتیبانی هدفمند از عناصر ضد انقلابی و ارتجاعی و تهدید به مداخله مستقیم نظامی می خواهند انقلاب ایران و تمام دستاوردهای بزرگ آن را نابود کنند. برای انجام این نقشه استراتژیک، نقش ویژه ای نیز به عهده امپریالیسم آلمان غربی نهاده شده است.

از اینرو ما پشتیبانی رزمنده و بی پایان خود را از شما و تمام سازمانها، نیروها و رزمندهگان ضد امپریالیست و دموکرات ایران اعلام می داریم. ما از این پس بیش از پیش افکار عمومی را از موفقیت های انقلاب، فداکاریهای مردم ایران و بهترین فرزندان این خلق، حزب توده ایران، مجاهدین خلق، اتحاد دموکراتیک مردم ایران، اتحادیه های کارگری و روحانیان مبارز و پیشرو ایران و ضد امپریالیستهای بیشمار دیگر آگاه خواهیم ساخت.

ما هم می گویم: بله، حزب توده ایران با شاه خائن و دولت دست نشانده اش مخالف بود. این آیا «جرم» است؟ اگر مخالفت با شاه خائن جرم نیست، که نیست، این تاریخ نویسان محترم چه کسانی هستند که با آوردن جمله: «خلاصه به مخالفتش وسوعیتش شکی نبود»، در واقع مخالفت با شاه خائن و «جرم» دانسته اند و مجازاتی را هم غیر قانونی کردن حزب توده ایران؟! از خواننده می خواهیم که اظهار نظر بالا را با نظر و تاریخ نویسان آریامهر، مقایسه کند. «تاریخ شاهنشاهی» درباره باصلاح غیر قانونی کردن حزب توده ایران مینویسد:

«چون بموجب اسناد و مدارک کشف شده بدولت معلوم شد که نقشه سوء قصد ۱۵ بهمن توسط حزب توده طرح ریزی شده بود، لذا دولت حزب مزبور را منحل و غیر قانونی اعلام داشت.» (صفحه ۲۰-۲۱ چاپ ۱۳۵۷)

تاریخ نویسان آموزش و پرورش این اظهار نظر را با دلالی چون تمیث آرزوسیه، یادخالت درجریانات آذربایجان و مخالفت وسوعیت، کامل کرده اند تا بدینوسیله از خجالت شاهانه دفاع کنند و آب تظلم بر سر بانی این جنایت بریزند.

تاریخ نویسان محترم اگر کمی توجه میکردند در صفحه ۲۱۰ کتاب تاریخی، که مثلاً آنرا «پاکسازی» کرده اند، اعلامیه دولت ساعدا دربارۀ همین ماجرا بقیه در صفحه ۵

### ۴- حزب توده ایران چگونه ایجاد شد؟

تاریخ نویسان آموزش و پرورش بعد از انقلاب ایران، بعد از جعل در باره جنگ دوم جهانی و قیام خلق آذربایجان، به سراغ جنبش کمونیستی ایران می آیند و آن را باین ترتیب معرفی میکنند:

«حرکت کمونیستی به خاطر آشنایی با فرهنگ اروپای شرقی و اقتباس آن و مخصوصاً نزدیکی با شوروی و سیاست تجاوزطلبی آن...» (ص ۱۶۸-۱۳۵۸)

اگر توجه کنیم که این سطور بلافاصله، یعنی ۳ خط بعد از اظهار نظر بیسلا درباره ایجاد کشورهای سوسیالیستی و تخلیه ایران توسط اتحاد شوروی نوشته میشود، درمی یابیم که تاریخ نویسان محترم چگونه درباره ایجاد حرکت کمونیستی ایران به دانش آموزان، آموزش می دهند و چگونه سیاست اتحاد شوروی را، که پس از اشغال پیش عظیمی از سرزمینش توسط نازیها، با دادن بیست میلیون شهید، دشمن را از خاک خود بیرون کرده، تجاوزطلب می دانند! این آقایان حتی اگر تاریخ ویتنام را بنویسند، این کشور را هم بخاطر مبارزات تاریخی اش با امپریالیسم آمریکا تجاوزکار خواهند خواند!

حالا بدینست نظر تاریخ نویسان شاهنشاهی، را درباره حزب توده ایران بیاد آوریم تا با مقایسه معلوم شود که باز هم طاقوتیان تاریخ نویسی روسفیداند، «جمعی از افرادی که دارای عقاید کمونیستی بودند و در زندان به سر میبردند، آزاد شدند. این عده هسته اولیه حزب سیاسی جدیدی را به نام حزب توده به وجود آوردند و در مهرماه ۱۳۲۰ موجودیت خود را اعلام و هدف خود را مبارزه با فاشیسم عنوان نمودند.» (ص ۲۰۷-۱۳۵۵)

تاریخ نویسان آریامهر، زیر بار واقعات تاریخی ادامه میدهند، «عده ای از طبقه روشنفکر که تشنه اصلاحات عمیق اجتماعی و اقتصادی بودند، عضویت آن را پذیرفتند. حزب توده متشکل ترین و نیرومندترین حزب سیاسی آن عصر بود.» (ص ۲۰۹-۱۳۵۵)

خواننده ملاحظه میکند که «تاریخ شاهنشاهی» اذعان دارد که کمونیستهای ایرانی، حزب توده ایران را به وجود آوردند و تاریخ آموزش و پرورش رندانه آن را به اروپای شرقی و شوروی نسبت میدهد.

### ۵- مخالفت حزب توده ایران با شاه خائن «جرم» است!

تاریخ نویسان آموزش و پرورش باز هم به «پاکسازی»، تاریخ ادامه میدهند و در این باره متأسفانه کارشان به دفاع از شاه خائن نمیکند. خواننده فراموش نکند که ستور زترین از تاریخ طاقوتی نقل نمیشود، اینها عین جملات کتاب درسی «پاکسازی» (۱) آموزش و پرورش بعد از انقلاب ایران است:

«تا همین ۲۷، که در آن اوج جنبش یکی از افراد حزب توده به محدودیتهای پهلوی سوء قصد می شود، آزادی نسبی و وجود دارد و از این تاریخ به این سبب که حزب آرزوسیه تبعیت و حمایت میکرد و نیز در جریان آن آذربایجان فقر میمید، بهمه دست و خاله به مخالفتش وسوعیتش شکی نبود، این حزب غیر قانونی میشود و مرود که اختناق و سانسور از نو آغاز شود.» (ص ۱۶۸- چاپ ۱۳۵۸)

### ۳- دفاع از دولت شاه مخلوع در برابر قیام خلق آذربایجان

تاریخ نویسان آموزش و پرورش به تحریف تاریخ، دفاع از دولت شاه مخلوع در قیام خلق آذربایجان ادامه میدهند. آنها قیام خلق آذربایجان را علیه شاه خائن، یک سره و طوطی شوری میدهند، تخلیه ایران را از قوای شوروی با قیام خلق آذربایجان در هم می آمیزند و رندانه از «قوای دولت ایران» دفاع میکنند، عوامل این حزب به سرکردگی پیشوای در مرداد ۱۳۲۲ عمارات دولتی تبریز، مرکز استان را اشغال میکنند و از طرف نیروهای شوروی مستقر در ایران سربازان ایرانی را در سربازخانه زیر کنترل گرفته و مانع ورود و خروج آنان میشوند و حتی قوای دولت ایران را در فرودگاه متوقف میکنند.» (ص ۱۶۷- چاپ ۱۳۵۸)

تاریخ نویسان آموزش و پرورش بلافاصله ماجرای آذربایجان را فراموش میکنند و به تخلیه ایران می پردازند و ناگزیر قتل عام خونین شاه مخلوع از مردم دلاور آذربایجان را هم فراموش میکنند! جنایاتی که حتی «تاریخ نویسان شاهنشاهی» مجبور بودند آن را باین شکل بیان کنند، شاهنشاه در صدد برآمدند که بهائیه آذربایجان و کردستان پایان دهند و به همین مقصود فرمان حمله به آذربایجان را صادر فرمودند و اداره امور عملیات جنگی را زیر نظر مستقیم خویش گرفتند.» (ص ۲۰۶- چاپ ۱۳۵۸)

پاکسازی کتابهای درسی از فرهنگ فاسد آریامهری، از آغاز امسال مورد توجه جدی قرار گرفت. کسانی، که هنوز هیچکس از هویت آنها مطلع نشده است، مامور شدند تا بدقت سراسر کتابهای درسی را سیم پاشی کنند و محتوای کتابها را در جهت انقلاب و مردم ایران تغییر بدهند. این کسان در مقدمه کتابها مأموریت خویش را به این ترتیب بیان کرده اند:

«ما که کتابهای شما را فراهم میکنیم، کوشیده ایم، تا آنجا که ممکن بوده است، پلیدی را از کتابهای شما پاک کنیم و چیزهایی را که شاکه انقلاب و بزرگی روح شما در آن بنویسیم.»

همین کسان ناشناس، درباره آنچه به عنوان پاکسازی کتابهای درسی انجام داده اند، نوشته اند: «برای سال تحصیلی ۵۹-۱۳۵۸، تا آنجا که امکانات اجازه میداد، تغییراتی در متن کتابهای درسی داده شد، بعضی از آنها تغییر کلی یافته و بازنویس و تالیف شدند. در سایر کتابهای درسی اصلاحاتی ضروری بعمل آمد، که به بلت ضیق وقت انجام آن در متن کتابها میسر نگردید.»

هر کسی وقتی این مقدمات دلنشیر را میخواند، انتظار دارد که «پاک کردن» کتابها از پلیدی و «اصلاحات ضروری» بمعنای زدودن فرهنگ مسموم آریامهری و پاک کردن کتابهای درسی از تحریفات و دروغهای ضرب شده در دستگاه تبلیغاتی ساوا باشد.

این انتظار وقتی بیشتر میشود که صحبت از پاکسازی تاریخ در کتابهای درسی باشد. تاریخی که یکسره ساخته و پرداخته ایدئولوژیهای «خدایگان آریامهر» است. تاریخی که بر همه مبارزات مردم، بویژه در نیم قرن گذشته، خط بطلان کشیده، چهره تابناک قهرمانان ملی را به لجن آلود و تنها متعش عظمت شاهنشاهان و شاه پرسی ذاتی و تاریخی ایرانیان است.

خواننده انتظار دارد. کسانی که مأموریت خطیر پاکسازی کتابهای درسی به آنها محول شده، تا برای ده میلیون دانش آموز ایرانی، برای اولین بار واقعات تاریخی را بیان کنند، به راستی این عمل مهم را انجام دهند. خواننده انتظار دارد، این «کسان» تاریخ معاصر ایران را، آنچنانکه بوده، برای نسل نوین ایران بنویسند.

این تاریخ از روزی که میرزا شای کرمانی ها، طالب او را و دیگران ندای آزادیخواهی سرداند با خون خلق نقش شده است. این تاریخ یکسویس ستم شاهان و فئودالها و سرما بهادران است و جانب دیگری مبارزه بیامان توده های خلق، در جبهه متحد خلق سیم عظیمی از مبارزه را ماسر کسب کرده برداشته اند. آنها با جبهه عموا و غلی کمونیست همراه مسلمانان انقلابی در دستگیر چنگیده اند و هنوز هم می جنگند. از این سیم عظیم، بخش عده ای یک نام جاودان و پرافتخار دارد، حزب توده ایران!

کسانی که مامور پاکسازی کتابها شده اند، باید تاریخ معاصر ایران را بر این زمینه بنویسند، باید بدون حب و بغض، همه رزمندهگان راه خلق را از ستار و باقر تا فاع الاسلام و فرخی و ارانی، از ملتکلم و نوین روزبه و مصدق تا رضایی، پویان و سماک و... را به نسل نوین ایران بشناسند. آنها همچنین وظیفه دارند، نبردهای مترقی اجتماع ایران، از جمله حزب توده ایران را، آنچنان که هست، و نه آنچنان که امپریالیسم و ارتجاع میخوانند، بنویسند. برای جوانان معاصر می کنند.

آری، هر ایرانی وطن دوستی این انتظارات را دارد. اما، کسانی که کتابهای درسی را به باصلاح پاکسازی کرده اند، یکسره از بی بهره رفته اند. آنها، خواسته و ناخواسته، تاریخ معاصر و بویژه بخش مربوط به حزب توده ایران را آنچنان نگاشته اند که امپریالیسم و ارتجاع میخوانند. این کسان در این عرصه چنان تاخته اند که روی تاریخ نویسان آریامهری را سفید کرده اند.

ما در زیر، ضمن مقایسه چند مورد از تاریخ وزارت آموزش و پرورش پس از انقلاب و وزارت آموزش و پرورش شاهنشاهی، بر اساس آنچه در کتاب «مجموعه شناسی با تکیه بر تاریخ ایران»، برای سال سوم دبیرستان آمده، این تاریخ نویسی مغرضانه را افشاء میکنیم.

تاریخ شاهنشاهی، ۱۸ صفحه خود به اوضاع ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲ اختصاص داده است. تاریخ آموزش و پرورش این صفحات را به ۷ صفحه کاهش داده است.

«تاریخ شاهنشاهی» در دوره مذکور به ترتیب اختصاص دارد به ۱- تعریف از شاه خائن ۲- دشنام به نهضت ملی ایران به رهبری دکتر مصدق. ۳- چند خط یاوه درباره حزب توده ایران (جمعاً ۲۰ خط در ۱۸ صفحه) تاریخ اختراعی آموزش و پرورش

«تاریخ شاهنشاهی» در دوره مذکور به ترتیب اختصاص دارد به ۱- تعریف از شاه خائن ۲- دشنام به نهضت ملی ایران به رهبری دکتر مصدق. ۳- چند خط یاوه درباره حزب توده ایران (جمعاً ۲۰ خط در ۱۸ صفحه) تاریخ اختراعی آموزش و پرورش

«تاریخ شاهنشاهی» در دوره مذکور به ترتیب اختصاص دارد به ۱- تعریف از شاه خائن ۲- دشنام به نهضت ملی ایران به رهبری دکتر مصدق. ۳- چند خط یاوه درباره حزب توده ایران (جمعاً ۲۰ خط در ۱۸ صفحه) تاریخ اختراعی آموزش و پرورش

«تاریخ شاهنشاهی» در دوره مذکور به ترتیب اختصاص دارد به ۱- تعریف از شاه خائن ۲- دشنام به نهضت ملی ایران به رهبری دکتر مصدق. ۳- چند خط یاوه درباره حزب توده ایران (جمعاً ۲۰ خط در ۱۸ صفحه) تاریخ اختراعی آموزش و پرورش

«تاریخ شاهنشاهی» در دوره مذکور به ترتیب اختصاص دارد به ۱- تعریف از شاه خائن ۲- دشنام به نهضت ملی ایران به رهبری دکتر مصدق. ۳- چند خط یاوه درباره حزب توده ایران (جمعاً ۲۰ خط در ۱۸ صفحه) تاریخ اختراعی آموزش و پرورش

کتاب تازه	مسار کس، انگلس، ولنین
در زندگی خصوصی	کرد آورنده و مترجم
از انتشارات	حزب توده ایران
مردم	ارگان مرکزی حزب توده ایران
نشانی:	خیابان ۱۶ آذر - شماره ۶۸
تلفن:	۹۳۵۷۲۸ و ۹۳۳۴۵۹
چاپ:	کلویان



# آفرین!

## راه حل مسائل کشاورزی همین است!

یا سرت فراوان اظهارات دیروز «آیتاله آقای دکتر باهنر عضو شورای انقلاب درباره حل مسئله زمین را طی یک گفتگوی اختصاصی با خبرنگار «اطلاعات» خواندیم. مواضعی که دکتر باهنر در مورد آفرین رفتن زمیندار بزرگ وحل مسئله مسود دهقانان بر زمین و کم زمین اعلام داشت، مواضعی است که ما با ناپایداری قدرت و بطور کامل از آن پشتیبانی میکنیم، زیرا خود ما سالهای سال است در این راه مبارزه کرده و میکنیم. اینک واقعا هم با سرت فراوان مشاهده میکنیم که عضو مؤثر شورای انقلاب، درست برعکس آنچه وزیر کشاورزی دولت موقت در دفاع از زمینداران بزرگ و مالکان و در دفاع از «اصلاحات ارضی ملوکانه» و بر ضد نافع دهقانان زحمتکش میگفت و میکرد، مواضعی بسود میلیونها دهقان میگیرد و راه تأمین مالکیت فردی و تعاونی و اجتماعی آنها را نشان میدهد. این بسود انقلاب است و به گردآوری میلیونها ایرانی مستضعف برای پیشبرد امر انقلاب کمک مستقیم میکند.

آقای دکتر باهنر در باره قانون «نحوه زمینداری» که آقای ایزدی وزیر به سفر رفته کشاورزی تهیه کرده بود، میگوید: «ما از همان اول هم نتوانستیم به مجموع طرحهایی که قبلا ارائه میشد، نظر مساعد بدهیم».

دهقانان ایران در همه جای کشور و کارشناسان مسائل ارضی در سینه مسائل کشاورزی و روزنامه مردم به نیز در مقالات متعدد خود، جوانب متعدد منفی ضد دهقانی و ارتجاعی این قانون را برملا ساخته و مخالفت صریح خود را با آن اعلام داشته بودند. شورای انقلاب و آقای دکتر باهنر بدرستی و بیجا بر روی یک کار خطا و بسیار خطرناک و زیانبار کشاورزی خط میطلان میکشند و بالاتر از آن، برنامه روشن و درستی را، که با خواستها و نظریات ما نیز مطابقت دارد، عرضه میدارند.

آقای دکتر باهنر در گفتگوی اختصاصی خود میگوید: «هدف اینست که کسانی که روی زمین کار میکنند، آنها هم صاحب زمین باشند، مالک زمین باشند و در واقع بیشترین سهم به همان کشاورز داده شود و اراضی موات هم در اختیار کسانی قرار خواهد گرفت که بتوانند مستقیماً روی آن زمینها کار بکنند و اگر سرمایه هم برای احیاء این زمینها نیاز باشد، آنطور که پیشبینی شده، این سرمایه باید از بودجه عمومی در اختیار کشاورزانی قرار گیرد که خودشان روی زمین کار میکنند».

این هدفی است کاملاً درست، مشروع، انسانی، مطابق با منافع میلیونها دهقان زحمتکش و با منافع کشور ما.

برای حزبی که سر و هست سال است همین اصل منافع طبقاتی زحمتکش روستاها و مصالح واقعی و عمیق اقتصادی کشور را در سرلوحه سیاست دهقانی و کشاورزی خود قرار داده، بدیهی است که با سرت به چنین موضع گیری درستی تمهیت گوید.

ما همانقدر که روش ضد دهقانی و ضد انقلابی وزارت کشاورزی را طی هشت ماهه اخیر در دوره پس از انقلاب عجیب و غلط میدانستیم و مخالفت خود را با آن ابراز نمیداشتیم، همانقدر هم اتخاذ این روش جدید علیه زمینداران بزرگ و بسود دهقانان زحمتکش را برای دوره انقلابی کنونی بدیهی و طبیعی و مطابق با ماهیت و خصلت انقلاب میشمیریم و با آن موافقت خود را ابراز میداریم.

بر اساس حق دهقانان بر زمین، که حامی انقلاب و از صاحبان این کشورند، و بر اساس از بین رفتن زمینداری بزرگ غارتگر، که پایگاه ضد انقلاب است، باید مسائل ارضی کشور حل شود. شورای انقلاب در اعلامیه شماره ۴ خود این نکته عمده گری را اعلام داشته و آقای دکتر باهنر هم دیروز جوانب مختلف آنرا با دقت بیان کرده است.

همه میدانیم که اراضی وسیع و مدرن سرمایه داری طی سالهای اخیر ایجاد شده و به قیمت سلب مالکیت از دهقانان و گرفتن منابع خاکروب کشور و سوءاستفاده از منابع مالی و اعتباری دولت مشتای زمینداران بزرگ، چه از خانواده شاه مخلوع و اعوان و انصارش و چه از سایر بزرگ مالکان واحدهائی ایجاد گردانند که در سطح نوینی از تکامل فن کشاورزی است. در این موارد هم باید البته به دزدی و غارتگری زمینداران پایان داده شود.

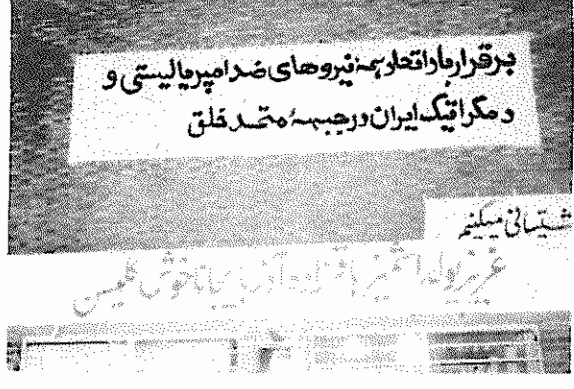
ولی با این واحدها چگونه باید رفتار کرد؟ آیا تقسیم ساده حلال مشکل است و سودی برای دهقانان و بسیاری اقتصاد سالم کشاورزی دارد؟ ما بارها گفتیم که موارد متعددی است که باید مسئله را بطور مشخص بررسی کرد و بنا به خصلت تولید و زمین و منطقه و نوع کشت و آبیاری و غیره، بجای یک تقسیم ساده و سطحی، باید واحد تعاونی و یا دولتی ایجاد کرد. ولی در هر حال صاحب سر و شوش و اداره کننده واحد باید همان دهقانان باشند، که در واقع صاحب نه فقط زمین، بلکه تأسیسات مختلف نیز هستند و بطریق تعاونی و یا در موارد ویژه بطریق واحدهای مشترک دولتی با حق اداره و نظارت شورائی، صاحب و حاکم بر سر و شوش واحد و محصول آن هستند.

در همه این موارد اصل، زودن کامل زمینداری بزرگ غارتگر و شیوه بهره کشی سرمایه داری وابسته در روستاهاست. اصل، منافع حقه و بی چون و چرای دهقانان تهیدست بر زمین و کم زمین و بزرگان و سایر زحمتکشان ده است.

اکنون نیز آیتاله دکتر باهنر، عضو شورای انقلاب، میگوید: «در مورد زمینداری بزرگ و اراضی وسیعی که در اختیار افراد هست جهت کار شورای (انقلاب) و هدفش اینست که بتواند بتدریج زمینها را در اختیار کسانی بگذارد، که رویش کار

# مراسم یادبود افسران شهید توده ای در تبریز

روز پنجشنبه ۱۷ آبان ۱۳۵۸، مراسم یادبود گروه سوم افسران شهید توده ای مرکب از رفقا: سرهنگ دوم امیر افشار بکشلو، سرهنگ محمد جلالی، سرهنگ دوم کاظم جمشیدی، ستوان یکم باقر واله، سرگرد جعفر وکیلی در تبریز برگزار شد. از چند روز پیش، آفوش های مربوط به مراسم در شهر و در



بنیادی شرایط زندگی زحمتکشان مهین ما است ادامه میدهید تا بیروزی».

رفیق ابوتراب باقرزاده، با یادآوری سوگند رفیق شهید مختاری، که قبل از تبر باریان به دیوارسلول انفرادی زندان قصر با ناخن کنده بود، «ای حزب من بتوسوگند که افتخار عضویتیم را به وعده پوچ دژخیم نفروشم. درد ورنج و شکنجه زندان مهر ترا در قلبم افزون کند». در پایان سخنان خود گفت: «ما هم سوگند می خوریم که به راه شهیدان وفادار بمانیم و از هیچ تلاشی برای نیل به آرمانهای انسانی و ملی و توده ای خود فروگذار نکنیم و از انقلاب بزرگ و شکوهمندمان تا پیروزی قطعی و نهائی دفاع نمائیم و در راه تشکیل جبهه متحد خلق، با پشتیبانی از مشی ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، با تمام نیرو کوشا باشیم، تا امپریالیسم و ارتجاع و ضد انقلاب را از بیخ و بن برکنیم».

حضار با شمار درود بر کمیته مرکزی حزب ما، و «زنده باد جبهه متحد خلق» رفیق باقرزاده را بدرقه کردند.

سپس رفیق کارگر، ذوالفقار، شمیری بزبان آذربایجانی خواند. آنجا که گفته میشد: «حقیقت اینست که من سازای از وطن در حزب توده ایران هستم، جمعیت را بوجد آورد رفیق ذوالفقار شمردیکری نیز در تجلیل از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر خواند.

رفیق کارگر، شهرک، نیز چند قطعه شعر بزبان آذربایجانی قرائت کرد.

مراسم یادبود افسران شهید توده ای در تبریز با شعارهای زیرین که با شور و هیجان بسیار از جانب حضار داده میشد، پایان یافت:

- امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم آمریکا، با خود باید کرد
- این شاه آمریکائی، در پیش پای ملت، اعدام باید کرد
- آمریکا، اسرائیل تنگ به تیر نکاتن خون شهیدان ما، میچکد از چنگنان
- زنده باد جبهه متحد خلق ما
- درود بر کمیته مرکزی حزب ما

همه این نکات بصورت مشخص و منجز در گفتگوی اختصاصی مزبور نیز بیان شده و در واقع برنامه ارضی و دهقانی شورای انقلاب را در توضیح اعلامیه شماره ۴ عرضه میدارد. ما صمیمانه با این اصول در دست و پای انقلابی که باز تکرار میکنیم در جهت عکس سیاست زیانمند ضد دهقانی هشت ماهه اخیر وزارت کشاورزی بوده موافق هستیم. برنامه شورای انقلاب، بنحوی که در بیانات آیتاله دکتر باهنر عرضه شده، برنامه درستی است.

این چنین برنامه ای میتواند بسیج گوی باشد. میلیونها دهقان که منافع حیاتی و مسلم خود را با آن مطابق می بینند به حمایت از آن، به حمایت از انقلاب، برمیخیزند. هزاران کارکنان مهین دولت و شر و دولت و دهها هزار فرد علاقمند به کشاورزی و وارد به اهمیت حیاتی این رشته در امر اقتصاد و سیاست کشور، به حمایت از آن برمیخیزند. جبهه انقلاب با اجرای چنین برنامه ای نیرومندتر و شکست ناپذیرتر میشود. این برنامه را باید قاطعانه اجرا کرد.

توطئه؛ کجا این آمریکا «سفارت» دارد؟ مگر همه «سفارتخانه های» آمریکا، حتی در کشور های متحد غربی، جاسوسخانه و مرکز توطئه و ترور و آدم کشی نیست؟

مشی «تروریست» ریخته اند و «سفارت» را اشغال کرده اند؛ دزد در بازار فریاد میزد که «دزد» را بگیرد.

ولی بکوری چشم امپریالیسم آمریکا، دیگر بازارها از آشفتنکی یکی پس از دیگری بدمی آیند و دزد واقعی راویگر همه شناخته اند. در ایران مانع پس از ده ها سال

# یاسر عرفات: پیروزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی، پیروزی ملت فلسطین نیز هست

خبر کزاری و فاطمه می دهد که، برادر ابوعمار (یاسر عرفات) رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین و فرمانده کل نیروهای انقلاب فلسطین بمناسبت شصت و دومین سالگرد انقلاب اکثریت پیام تبریکی برای لئونید برژنف رهبر اتحاد شوروی و دبیر کل حزب کمونیست آن کشور ارسال داشت. برادر ابوعمار در این تکریم چنین گفته است:

برای من مایه افتخار است که بمناسبت انقلاب پیروزنده اکثریت شما و ملت شوروی تبریک بگویم و درودهای گرم را که نشانه دوستی عمیق بین ملت اتحاد شوروی و سوسیالیست تحت رهبری شما و ملت فلسطین است شما تقدیم دارم. پیروزی انقلاب اکثریت به رهبری ولادیمیر لینن نقطه عطفی در تاریخ جهان است. آن کشور سوسیالیستی که شما آنرا بر اساس خط مشی لینن رهبری میکنید، کشوری است همچون من، چه این کشور بود که فاشیسم را درهم شکست و یار ملت های ستمدیده گردید و همکاری با جنبش های آزادیبخش در جهان را در پیش گرفت. امروز ملت ما با جنگ و آتش روبروست و ما هرگز فراموش نمی کنیم که شما نخستین کسی بودید که همبستگی خود را با انقلاب فلسطین اعلام کردید و در برابر نقشه های امپریالیسم و صهیونیسم وارد تجاع، که قصد نابود کردن انقلاب فلسطین را داشت، در کنار ما ایستادید. ملت فلسطین در این جنگ تا نا بودی صهیونیست ها، به سرکردگی آمریکا، پیش خواهد رفت زیرا ما اعتقاد داریم که نبرد ما آینده ساز است.

ما هدفی جز بازگشت به سرزمین خود نداریم و همواره کمک و امداد و یارمانی سوسیالیست دوست خود را و نیز کمکهای اتحاد شوروی را مغتنم میشماریم. فرست را غنیمت میشماریم و بمناسبت پیروزی های که در جهت استحکام نظام سوسیالیسم در شورویان که پیروزی ملت فلسطین، ملت دوست شما نیز هست، شما تهیث میکنیم.

شلتاق این دزد، خلقی بهاخته و گریه ها را سخت گرفته است. هیچ تشبیه تلاشی دیگر اوراها ننخواهد ساخت. هیچ توطئه ای نیز در ایران دیگری بکار نخواهد آمد. خلق انقلابی ما هشیار است، توطئه ها را، یکی پس از دیگری خنثی کرده و خواهد کرد. انقلاب ایران پیروز خواهد شد. گانکتر بین المللی باید لانه جاسوسی و دزد توطئه خود را در ایران بپرچند و آنرا به سفارت تبدیل کند. نخستین کام در این راه استرداد «آریامهر» است.

ولی امپریالیسم یانکی نمی خواهد این خواست خلق ما را بر آورد سازد و این حق ایران را بشناسد. او تقلا میکند. او میخواهد مسئله ای را، که ابدأ بشورای امنیت سازمان ملل متحد ربطی ندارد در دستور جلسات این شورا قرار دهد. او میخواهد با شکستن قوانین جاری در ایالات متحده آمریکا، تظاهرات دانشجویان ایرانی را، که خواستار استرداد شاه مخلوع اند، قذف کند. او در صدد است جوانان ایرانی طرفدار انقلاب ایران را در ایالات متحده تحت فشار قرار دهد.

ایران است. او تقلا میکند، ولی این تقلا عبث است. او چاره ای جز تحویل شاه مخلوع ندارد. گانکتر بین المللی باید «مأمور اجرای خود را تحویل دهد».

# آمریکا باید شاه مخلوع را به ایران تحویل دهد